

A Critical Review of the Book *Conjugation 2* with a Descriptive Analysis Approach

Zohreh Ghorbani Madavani*

Abstract

Textbook criticism is of great importance and status. The book “*Conjugation 2*”, written by Ahmad Pashazanoos, while addressing issues related to the name, has tried with exercises at the end of each lesson to provide the audience with the opportunity to explore the material presented in practice. This book is a continuation of the book “*Conjugation 1*” by the same author. The present article critiques the two levels of form and content of this book by descriptive-analytical method and relying on the descriptive analysis approach. All the strengths and weaknesses of the book in the two areas of form, content and mistakes of the author have been pointed out by presenting documents and examples of the book. Finally, in general, this book can be called a scientific package that tries to provide inflectional content by deductive method (mentioning the rule and then providing an example witness) and the role of meaning and subtle semantic differences in different inflectional forms are insignificant.

Keywords: *Conjugation 2*, Noun Rules, Arabic Linguistics, Content Analysis, Curriculum.

* Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran,
zghorbani@atu.ac.ir

Date received: 14/08/2020, Date of acceptance: 16/03/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی انتقادی کتاب صرف ۲ با رویکرد تحلیل توصیفی

زهره قربانی مادوانی*

چکیده

نقد کتاب‌های درسی از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است. کتاب صرف ۲، نوشته احمد پاشازانوس، عضو هیئت‌علمی زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ضمن پرداختن به مسائلی درمورد اسم سعی کرده است تا با آوردن تمرین‌هایی در پایان هر درس برای مخاطب این امکان را فراهم کند که مطالب ارائه‌شده در درس را به صورت عملی در تمرین‌ها برای خود حل‌اجی کند و موردواکاوی قرار دهد. این کتاب در ادامه کتاب صرف ۱ از همین نویسنده است. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به رویکرد تحلیل توصیفی دو سطح شکل و محتوای این کتاب را موردنقد و بررسی قرار می‌دهد. در این مقاله به تمام نقاط قوت و ضعف کتاب در دو حیطة شکل و محتوا و اشتباهات مؤلف با ارائه مستندات و نمونه‌های کتاب اشاره شده است و در آخر به صورت کلی می‌توان این کتاب را یک بسته علمی نامید که به روش قیاسی (ذکر قاعده، سپس ارائه شاهدمثال) سعی در ارائه محتوای صرفی دارد و نقش معنی و تفاوت‌های ظریف معنایی موجود در قالب‌های مختلف صرفی در آن کم‌رنگ است.

کلیدواژه‌ها: صرف ۲، قواعد اسم، زبان‌شناختی عربی، تحلیل محتوا، برنامه درسی.

۱. مقدمه

برای نقد از جهات مختلف انواعی ذکر شده است؛ از جمله نقد صوری و غیرصوری. نقد صوری یعنی بررسی خوب و بد امور ظاهری یک اثر مانند کاربرد الفاظ، درستی

* استادیار زبان و ادبیات عربی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. zghorbani@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶



اشتقاق، صحت جملات از نظر دستوری و صرف و نحو، کیفیت فصل‌بندی و تقسیمات کتاب، میزان بی‌غلط‌بودن از نظر غلط‌های چاپی، غلط‌های ساختاری، غلط‌های نویسنده، چگونگی اشکال و تصاویر، و...، اما نقد غیرصوری شامل نقد محتوایی، نقد اعتقادی، نقد اخلاقی، نقد سبکی، نقد تطبیقی، نقد تاریخی، و نقد علمی می‌شود (ذاکری ۱۳۸۸: ۱۵۸). در این نوشتار، در کنار نقد صوری کتاب صرف ۲، نقد محتوایی و علمی نیز صورت می‌گیرد. یک نقد سازنده و منصفانه نتایج ارزنده‌ای خواهد داشت و به نویسنده کمک می‌کند تا ایرادها و پیش‌نهادهای مطرح‌شده را در نوشته‌های خود مراعات کند و کاری بی‌نقص و درست به جامعه خوانندگان ارائه دهد.

۱.۱ اهمیت و ضرورت پژوهش

در کنار اهمیتی که نقد و نقادی در حوزه علم و معرفت دارد، باید اعتراف کرد که یکی از مشکلاتی که دانش‌آموزان و دانشجویان زبان عربی با آن روبه‌رو هستند، بحث فراگیری قواعد صرف و نحو این زبان است. از این‌رو، دغدغه بسیاری از صاحب‌نظران و نویسندگان این حوزه این شد که به نگارش قواعد عربی به زبانی ساده و با روشی کارآمد بپردازند تا از یک سو تفهیم مطالب به فراگیر آسان شود و از سوی دیگر انگیزه آن فراگیران بیش‌تر و بیش‌تر شود. از این‌رو، نقد کتاب‌هایی در این حوزه هم به نویسنده و هم به دیگر صاحب‌نظران کمک می‌کند تا به آن مهم دست یابند و درصدد رفع مشکلات کتاب‌های حوزه صرف و نحو برآیند.

۲.۱ هدف نوشتار

هدف این نوشتار بررسی شکل و محتوای این کتاب است. در نتیجه، مهم‌ترین پرسش و مسئله‌ای که در این زمینه مطرح می‌شود این است که کیفیت اثر حاضر از لحاظ شکل و محتوا چیست؟

فرضیه‌ایی که برای این پرسش می‌توان نوشت این است که بیش‌تر کتاب‌های صرفی و نحوی، از جمله این کتاب، از لحاظ شکل و محتوا درجهت پاسخ به پرسش اصلی بیش‌تر دانشجویان زبان و ادبیات عربی نیست؛ این پرسش که «هدف از این همه قواعد بی‌کاربرد و تکراری چیست؟».

۳.۱ روش نوشتار

روش این مقاله توصیفی-تحلیلی است؛ بدین صورت که پس از معرفی اثر به بیان نقاط قوت و کاستی‌های آن در دو حوزه شکل و محتوا می‌پردازد و در آخر پیش‌نهادهای برای بهتر شدن کیفیت کتاب ارائه می‌دهد.

۴.۱ پیشینه تحقیق

درباره پیشینه تحقیق باید گفت که تاکنون هیچ نقدی بر این کتاب صورت نگرفته است. اما کتاب‌ها و مقالاتی که در حوزه صرف به‌نگارش درآمده‌اند در ادامه آورده می‌شوند:

کتاب *التطبیق الصرفی* (۲۰۰۹) از عبده الراجحی: از ویژگی‌های بارز این کتاب آوردن مشتقات در بخش فعل، تمرین‌های کم و خارج از جمله و متن، نداشتن نظم منطقی در پرداختن به مباحث، رعایت نکردن نظم و منطق در ترتیب عناوین دروس، نپرداختن به همه مباحث صرفی مثل انواع تنوین، اسم منصرف، غیرمنصرف، و... است.

کتاب *تیسیر الصرف* (۲۰۱۶) از عبدالقادر فیضی و عبدالله دارمی: روش این دو نویسنده در بیان قواعد استنباطی است و به تبعیت از کتاب *النحو الواضح* صورت گرفته است. بدین معنا که نویسندگان در ابتدا مثال‌های بسیاری آورده‌اند، سپس به بیان قواعد با تکیه بر آن مثال‌ها پرداخته‌اند، و در پایان تمرین‌های فراوانی نیز آمده است.

کتاب *الصرف العربی، احکام، و معان* (۲۰۱۳) از فاضل صالح السامرائی: از کاستی‌های این کتاب عدم نظم و منطق در ترتیب دروس، حذف اسم تفضیل از انواع مشتق، و نداشتن تمرین است، اما نکته بارز آن اشاره به برخی ظرافت‌های معنایی در کنار ساختارهای صرفی است.

کتاب *صرف کاربردی، آموزش پیشرفته دانش صرف* (۱۳۹۵) از عبدالرسول کشمیری: مباحث صرفی در این کتاب در دو جلد و مشتمل بر هفت شهر آمده است که هر یک از این شهرها چند حدیقه نیز در بر دارند. از ویژگی‌های این کتاب می‌توان به مواردی چون ارائه تمرین‌های تشریحی و تستی از قرآن کریم و احادیث، طراحی نمودارها، و جدول‌ها با ارائه نکات مهم درسی، بررسی و تحلیل مقایسه‌ای آیات، و... اشاره کرد. نویسنده بر این باور است که با جمع‌آوری شاهد مثال‌هایی از دستور زبان فارسی توانسته است آموزش این علم را برای فراآموزان تسهیل کند؛ اما به نظر می‌آید دلایل و شاهد مثال‌هایی که از زبان فارسی ذکر می‌کند تنها سلیقه‌ای و با نگاهی متفاوت است. برای نمونه، آنچه در بخش

اعلال ذکر کرده است در ارتباط مستقیم با قواعد اعلال نیست و تنها به مخاطب نشان داده می‌شود که موضوع اعلال و تغییر در هر دستور زبانی قابل‌رہ‌یافت است. بنابراین، ذکر آن قواعد در بیش‌تر موارد نه‌تنها به فراآموز کمک نمی‌کند، بلکه یادگیری مطالب جدیدی نیز بر او تحمیل می‌شود.

کتاب سامرائی و کشمیری، علاوه‌بر جنبه آموزشی، به جنبه پژوهشی علم صرف نیز همت گمارده‌اند. بنابراین، این دو کتاب صبغه پژوهشی نیز دارند. در کتاب کشمیری به‌کرات با شاهدمثال‌هایش و اشاره به تفاوت‌های معنایی توانسته است به نقش علم صرف در تفسیر قرآن کمک شایانی کند. رویکرد کتاب کشمیری رویکرد رشدگرا و خودشکوفایی است و این امر از طریق طرح مباحثه‌ها در پایان هر درس میسر شده است. با توجه به این موضوع که مهم‌ترین ایراد وارد به بیش‌تر کتاب‌های صرفی عدم نیازسنجی آنهاست تا براساس آن به ضرورت‌ها، نقص‌های فراگیران، و علایق آنان پرداخته شود، اما کتاب سامرائی و کشمیری تا حد زیادی در این نیازسنجی موفق بوده‌اند؛ چراکه به ضرورت کاربرد این علم با ارائه شاهدمثال‌ها و بیان تفاوت‌ها اشاره کرده‌اند. البته کتاب سامرائی در زمینه تمرین‌ها نقش بسیار کم‌رنگی دارد.

از دیگر امتیازات کتاب کشمیری محتوای تکلیف‌محور است؛ بدین صورت که برای انجام آن تکالیف فراگیر باید مباحث و قواعدی را در نظر بگیرد که از قبل تعیین شده و پیش‌بینی شده نیست. هم‌چنین این کتاب فراگیرمحور است و این امر از طریق ذکر نکات مهم صرفی به‌صورت نمودار و به‌زبانی ساده میسر شده است. تکالیف کافی برای خودیادگیری و تمرین در خارج از کلاس دارد و روحیه گروهی و فعالیت مشارکتی فراگیران را تقویت می‌کند؛ آنچه در بین دانشجویان رشته عربی بسیار پایین است.

بنابراین، دیدگاه این دو نویسنده به صرف برخلاف دیگر نویسندگان این است که این علم نیز به‌مانند دیگر علوم می‌تواند در فهم دقیق متون دینی بسیار راه‌گشا باشد و تنها به‌دنیال مطرح‌کردن موضوعات و مطالب صرفی خشک و بی‌کاربرد نیستند، بلکه کاربردی بودن این علم بیش از مطرح‌کردن قواعدش اهمیت دارد، اما این کتاب تنها به مطرح‌کردن قواعد اهتمام ورزیده است.

کتاب آموزش صرف عربی (۱۳۹۵) از عبدالهادی فقهی‌زاده: مهم‌ترین نقدی که به این کتاب وارد می‌شود این است که تمرین‌های درس‌ها همه مطالب و نکات کتاب را پوشش نمی‌دهد. هم‌چنین، محتوا با سطح علمی دانشجویان رشته الهیات و علوم قرآنی تناسب ندارد.

مقاله *الصرف ۱* در *ترازوی نقد* (۱۳۹۴) به قلم وصال میمندی و نعیمه خبازی اشرف: نویسندگان در این مقاله کتاب *الصرف ۱* از احمد پاشازانوس را که به مبحث فعل مرتبط است از نظر شکل و محتوا مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که نباید به‌بهانه تسهیل امر آموزش مطالب به‌شکل نادرستی بیان شود و هم‌چنین استفاده از تمرین‌های متعدد و متنوع و کاربرد جدول در تفهیم و تعمیق مباحث آموزشی از جمله صرف تأثیر به‌سزایی دارد.

بنابراین، نقدی که به بیش‌تر این کتاب‌های صرفی وارد می‌شود این است که یا تمرین کافی ندارند یا گاهی تمرین‌هایشان خارج از جمله و متن است و کتاب صرف ۲ نیز از این امر مستثنا نیست و رویکرد آموزش قواعد خارج از متن دارد، اما نویسنده در این کتاب تا حد ممکن از ارائه مثال‌های قدیمی و بی‌روح اجتناب کرده و از مثال‌های کاربردی استفاده کرده است. هم‌چنین، نظم منطقی در ترتیب دروس دارد.

این کتاب به مفسر و پژوهش‌گران و مفسران قرآنی در تشخیص و شناخت هیئت کلمات کمک می‌کند، اما در درک معنای دقیق آن‌ها کمک چندانی نمی‌کند. با توجه به این‌که محتوای اغلب کتاب‌های صرفی موضوعی است، یعنی آموزش اطلاعات و مطالب صرفی است، در این خصوص بسامد قواعد از اهمیت والایی برخوردار است و باید تمرین‌های متنوع فراوانی آورده شود تا از یک‌سو به فراگیر در یادگرفتن قواعد کمک کند و از سوی دیگر باعث جذابیت و خلاقیت او نیز شود. اما متأسفانه این کتاب تمرین‌های کافی و متنوع ندارد. در ضمن، این کتاب مدرس محور است و زمینه فعال‌شدن فراگیر را فراهم نمی‌کند و به‌نوعی نقش فراگیر در این کتاب در فرایند آموزش کم‌رنگ است.

۲. ماده پژوهش

۱.۲ نویسنده و آثار وی

احمد پاشا زانوس دانش‌یار و عضو هیئت‌علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین است. تخصص‌شان بلاغت، صرف و نحو، و متون قدیم است و در همین جهت در حوزه صرف دو جلد کتاب نوشته است. جلد اول با عنوان *الصرف ۱* مربوط به فعل و مسائل تحلیل صرفی آن است و جلد دوم کتاب صرف ۲ بیش‌تر مربوط به قواعد اسم است.

۲.۲ معرفی کتاب

کتاب صرف ۲ مربوط به علم صرف یکی از علوم اصلی زبان و ادبیات عربی است. مباحث مربوط به تحلیل صرفی اسم و حرف را در بر می‌گیرد و تمامی آن مباحث در ۲۴ درس را در قطع وزیری انتشارات پیام نور جمع‌آوری کرده است. فهرست تفصیلی کتاب که حاوی تمامی عناوین اصلی و فرعی است در آغاز کتاب در هشت صفحه آمده است.

در آغاز هر درس، اهداف به صورت کلی و آنچه از مخاطب انتظار می‌رود ذکر شده است، سپس توضیح قواعد و در پایان به تفکیک تمرین‌هایی به صورت تشریحی و تستی آمده است. دو درس پایانی سؤال تستی ندارد و جواب تمامی آن سؤالات به صورت یک‌جا در پایان کتاب آمده است.

تعداد صفحات کتاب به غیر از فهرست و مقدمه ۲۳۰ صفحه است و در دو صفحه آخر تعداد ۴۲ مصدر و مأخذ آمده که نویسنده محترم از آن‌ها استفاده کرده است.

| نام کتاب | مؤلف/ مترجم | ویراستار | نوبت چاپ | ناشر | سال نشر | محل نشر | قیمت کتاب |
|----------|----------------------|----------------------|----------|------------------|---------|---------|-----------|
| صرف ۲ | دکتر احمد پاشا زانوس | دکتر مصطفی جوان‌رودی | اول | دانشگاه پیام نور | ۱۳۹۴ | تهران | ۶۱۰۰ |

اما موضوعات مطرح شده در این ۲۴ درس بدین شرح است: **درس اول:** اسم و وزن‌های آن؛ **درس دوم:** متصرف و غیرمتصرف و بحث درباره موضوعاتی چون مثنی، تقسیم اسم از نظر حرف آخر؛ **درس سوم:** جمع و موضوعاتی چون اسم جمع و انواع آن، شروط جمع مذکر سالم، کیفیت جمع بستن اسم مقصور و منقوص؛ **درس چهارم:** جمع مکسر، وزن و انواع آن، و صیغه منتهی الجموع؛ **درس پنجم:** تصغیر، شروط آن، کیفیت مصغر کردن اسم ثلاثی، رباعی، ترکیب مزجی، اضافی، و...؛ **درس ششم:** اسم منسوب و قواعد آن؛ **درس هفتم:** مذکر و مؤنث، انواع آن، علامت و ویژگی‌های آن؛ **درس هشتم:** جامد و مشتق، انواع آن، اسم فاعل و مبالغه؛ **درس نهم:** اسم مفعول و صفت مشبیه، ساختار آن‌ها و وجه تشابه مشبیه و اسم فاعل؛ **درس دهم:** اسم تفضیل، کیفیت ساختن آن و کاربردش؛ **درس یازدهم:** اسم زمان و مکان و آلت و چگونگی ساختن آن‌ها؛ **درس دوازدهم:** نکره و معرفه، انواع آن، ضمیر و اقسام ضمیر؛

درس سیزدهم: علم و بحث مفصلی دربارهٔ انواع آن؛ درس چهاردهم: اسم اشاره و موصول، انواع آن، صله و عائد و موارد حذف صله؛ درس پانزدهم: معرف به «ال» و معرف به اضافه، انواع «ال»؛ درس شانزدهم: معرب و مبنی و انواع آن‌ها؛ درس هفدهم: منصرف و غیرمنصرف، دلایل غیرمنصرف و علامت اعراب آن؛ درس هجدهم: تقسیم‌بندی اسم از نظر حرف آخر (صحیح‌الآخر، شبه‌صحیح‌الآخر، مقصور، منقوص، ممدود)؛ درس نوزدهم: مباحث مشترک بین دو علم صرف و نحو و بحث دربارهٔ موضوعاتی چون اسم شرط، استفهام؛ درس بیستم: ظرف و کنایه و تقسیم‌بندی آن‌ها؛ درس بیست‌ویکم: عدد اصلی و ترتیبی، انواع آن‌ها، و احکام عدد و معدود؛ درس بیست‌ودوم: حرف و برشمردن حروفی که به اسم یا فعل یا مشترک بین آن دو است؛ درس بیست‌وسوم: پیوست یک صرف که به موضوعاتی چون الف و واو زائد، آنچه نوشته می‌شود و خوانده نمی‌شود یا خوانده می‌شود و نوشته نمی‌شود اختصاص دارد؛ درس بیست‌وچهارم: پیوست دوم صرف: که به موضوعاتی چون وقف، اسکان، ابدال، تضعیف، اشتقاق، و انواع آن پرداخته است.

مؤلف در بیان قواعد کتاب از روش قیاسی استفاده کرده است؛ بدین معنا که ابتدا قاعده را ذکر می‌کند سپس شاهد مثال‌های ساده و معمولی به کار می‌برد. مثال‌هایی که در بیش‌تر موارد خارج از جمله و عبارت است. هدف از نوشتن این کتاب به‌اقرار خود نویسنده در مقدمه (پاشازانوس ۱۳۹۴: ۱۳) تا حد ممکن پرکردن خلأ و شکاف موجود در آموزش علم صرف در محافل علمی، دانشگاه‌ها، و حوزه‌های علمیه است.

۳. بخش نظری: تحلیل محتوا

اواسط قرن بیستم میلادی، برلسون تحلیل محتوا را به‌عنوان یک علم با ویژگی‌های منحصربه‌فرد و متمایز از سایر روش‌ها تعریف کرد. او تحلیل محتوا را روشی برای توصیف عینی، کمی، و قاعده‌مند محتوای آشکار ارتباطات مطرح کرد (جمالی‌فر و قزوینی حائری: ۲۷) و به‌اعتقاد چاوا این روش روشی تحقیقی برای گرفتن نتایج معتبر و قابل‌تکرار از داده‌های استخراج‌شده از متن است (رایف و دیگران ۱۳۸۵: ۲۳). درواقع، تحلیل محتوا هر فنی است که به‌کمک آن ویژگی‌های خاص پیام‌ها را به‌طور نظام‌یافته و عینی موردشناسایی قرار می‌دهند (فرانکفورت ۱۳۸۱: ۴۶۹) و در یک تعریف کامل می‌توان آن را فرایند نظام‌مند شناسایی، طبقه‌بندی، تبیین، تفسیر، استنباط، استخراج پیام‌ها و نمادها، آثار و مفاهیم پیدا و

پنهان در متون نوشتاری، رسانه‌ها، و سایر مجموعه‌های موردنظر براساس روش‌های کمی و کیفی معرفی کرد (معروفی و یوسف‌زاده ۱۳۸۸: ۱۵).

برنارد برلسون در سال ۱۹۵۲ پنج هدف عمده را برای تحلیل محتوا مشخص کرد که عبارت‌اند از توصیف ویژگی‌های اصلی محتوای پیام، توصیف ویژگی‌های شکلی محتوای پیام، استنباط مفاهیم موردنظر تهیه‌کنندگان محتوا، استنباط برداشت مخاطبان پیام، پیش‌بینی اثرات محتوا بر مخاطبان (قائدی و گلشنی ۱۳۹۵: ۶۵).

بینگل نیز معتقد است برای روش تحلیل محتوا دو رویکرد کلی وجود دارد؛ رویکرد کمی و دیگری رویکرد کیفی. در رویکرد کمی، با استفاده از محاسبه فراوانی و تعداد وقوع کلمات، اسامی، و فضای اختصاص داده‌شده موضوع مربوط را موردتحلیل قرار می‌دهیم؛ اما در روش کیفی، تحلیل عمقی بیش از حجم تحلیل موردتوجه است (معروفی و یوسف‌زاده ۱۳۸۸: ۶۵) و بر یک دیدگاه فلسفی تفسیرگرایانه مبتنی است و توجه آن به چگونگی تفسیر، درک، تجربه، و به‌وجودآمدن جهان اجتماعی معطوف است. در این روش بر درک عمیق، پیچیدگی، جزئیات، و بافت پدیده‌ها تأکید می‌شود (پاشاشریفی و شریفی ۱۳۸۳: ۲۷۰).

هم‌چنین، برای این روش سه شکل کلی مطرح شده است که عبارت‌اند از توصیفی، استنباطی، و ارتباطی (جمالی‌فر و قزوینی حائری: ۲۷). اما تحلیل محتوای توصیفی که براساس تعریف برنارد برلسون و لازار سفلد ساخته شده یک روش تحلیل بعد از وقوع است؛ یعنی توصیف کمی محتوای بارز یک متن است. این بررسی هم توصیف نحوی (سبک و ساختار) و هم مفهوم‌شناسی یا تحلیل موضوعی یک متن را در بر می‌گیرد (اتسلندر ۱۳۷۱: ۶۹).

به‌طور کلی در شاخص‌های ارزیابی، اختصار و روانی در تنظیم کتاب، سهولت در فهم مباحث آن، تناسب حجم کتاب با نیازهای مخاطبان، طرح درست مباحث و مطالب بدون کم‌ترین شبهه و ابهام، اختصار به‌جای تفصیل و توضیحات، و... موردبررسی قرار می‌گیرد (عبداللهیان و آزاد ارمکی ۱۳۹۴: ۶-۱۲).

اما شاخص‌های ارزیابی کتاب درسی عبارت است از محتوایی، زبانی، روشی، ساختاری، و ظاهری که در ارزیابی محتوایی مسائلی چون روزآمدی، جامعیت، مرتبط‌بودن مطالب کتاب درسی با سایر دروس وابسته، وجود تناسب میان حجم اطلاعات اصلی و حجم اطلاعات جنبی، و... موردتحلیل و بررسی قرار می‌گیرد (رضی ۱۳۸۸: ۲۲-۲۴).

۱.۳ کاربردهای تحلیل محتوای کتب درسی

تحلیل محتوا کاربرد متنوعی دارد که یکی از آن‌ها تحلیل محتوای کتاب‌های درسی است. این تحلیل کمک می‌کند تا مفاهیم، اصول، نگرش‌ها، باورها، و همه اجزای مطرح‌شده در قالب دروس کتاب مقایسه و ارزش‌یابی شوند. البته، تحلیل محتوای کتاب درسی تنها به معنای تحلیل متن و نوشتار کتاب نیست، بلکه تحلیل می‌تواند سایر اجزای کتاب هم چون تصاویر، جداول، پرسش‌ها، و... را نیز در بر گیرد (نیک‌منش و علی‌آبادی ۱۳۹۲: ۱۳۲).

۲.۳ عوامل تحلیل محتوای کتب درسی

در یک نگاه نظام‌مند می‌توان کتاب درسی را از دو منظر درونی و بیرونی مورد توجه قرار داد. عامل درونی بر ظاهر و همچنین محتوای کتاب تأکید دارد و عامل بیرونی بر ارتباط و هم‌خوانی کتاب درسی با کتاب‌های دیگر در همان پایه و رابطه یک عنوان درسی با همان عنوان در پایه‌های قبلی و بعد مطالعه می‌شود (نیک‌منش و علی‌آبادی ۱۳۹۲: ۱۳۵). در بُعد درونی که هم ظاهر و هم محتوا مورد توجه است. در جنبه ظاهر مسائلی چون جلد، صفحات، تصاویر، متن، و... مورد مطالعه قرار می‌گیرد و اساسی‌ترین بعد تحلیل محتوای کتاب درسی است که در این مقاله سعی می‌شود با استفاده از این روش کتاب صرف ۲ مورد ارزیابی و تحلیل واقع شود.

۴. بررسی انتقادی کتاب

۱.۴ بررسی ابعاد شکلی اثر

همه منتقدان و صاحب‌نظران بر این امر واقف‌اند که بررسی شکلی هر اثر از درجه اهمیت کم‌تری برخوردار است، اما از آن‌جاکه شکل هر کتاب به مثابه لباسی برای آن است و حفظ لباس و ظاهر مناسب درخور اهمیت است، لذا بحث شکل نیز مهم تلقی می‌شود.

۱.۱.۴ نقاط قوت

- طرح جلد

از آن‌جایی که جلد هر کتاب یک آیتم بسیار بااهمیت است، این کتاب با ذکر عناوین توانسته است محتوای داخل کتاب را به صورت بصری به مخاطب منتقل کند.

- حروف‌نگاری

منابع و مصادر که در حروف‌نگاری باید به صورت نازک بیایند، در این کتاب به خوبی رعایت شده است و نوع فونت پاورقی‌ها نسبت به متن ریزتر و مناسب‌تر است و برای تیرها و عنوان‌های اصلی نیز شماره فونت مناسب و درشت‌تر از متن اصلی انتخاب شده است.

- صفحه‌آرایی

در مورد صفحه‌آرایی کتاب باید گفته شود که استفاده از bold و ذکر عناوین درس‌ها در تمامی صفحات، رعایت فاصله مناسب بین خطوط، و ایجاد فاصله مناسب از بالا و پایین صفحه از نقاط قوت آن به حساب می‌آید. هم‌چنین، نظم در قرار گرفتن عنوان درس‌ها در قسمت میانی بالای صفحه و شماره صفحات در سرصفحه و انتخاب فونت عربی، راست‌چین آمدن صفحات زوج و چپ‌چین آمدن صفحات فرد، شروع درس‌ها از صفحه فرد، نگارش عنوان کتاب با خط درشت و استفاده از bold در روی جلد از دیگر امتیازات صفحه‌آرایی این کتاب شمرده می‌شود.

- کیفیت چاپ

کیفیت چاپ کتاب عالی است. در صفحات لکه یا نقاط سفیدرنگ دیده نمی‌شود و رنگ تمام صفحات یک‌نواخت است. چاپ کج یا موج‌دار نیست و پخش‌شدگی جوهر نیز در صفحات مشاهده نمی‌شود.

- صحافی

جلد از استحکام لازم برخوردار است و برای استحکام بیش‌تر، علاوه بر عطف، از بغل نیز طبق اصول چاپ چسب خورده است.

- مؤلفه‌های جامعیت صوری

از جمله نقاط قوت در این زمینه بیان هدف نویسنده در مقدمه، بیان اهداف کلی هر درس به صورت جداگانه، قراردادن تمرین‌های چه تستی و چه تشریحی در پایان هر درس، فهرست عناوین کلی و فرعی مطالب در آغاز کتاب است.

۲.۱.۴ کاستی‌ها

کتاب حاضر، علی‌رغم تلاش‌های نویسنده و ناشر در زمینه شکلی، هم‌چنان دارای نواقصی است که از نقطه نظر آن‌ها دور مانده است و امید می‌رود در چاپ‌های بعدی اصلاح شود.

- صفحه‌آرایی

در مورد نقاط ضعف آن باید گفت که به‌جز استفاده از bold از عناصر بصری و نشانه‌های دیگر مثل جدول، نمودار، و... استفاده نشده است تا به خواننده در سهولت خواندن و ایجاد انگیزهٔ بیش‌تر برای مطالعه کمک کند و در برخی صفحات مطالب به‌گونه‌ای پشت‌سر هم آمده است که بیش‌تر یک کتاب تاریخی یا یک رمان را تداعی می‌کند تا یک کتاب صرفی. هم‌چنین، ترازنبودن خطوط به‌ویژه در جواب تمرین‌ها، سیاه‌نکردن (بلندنکردن) شماره‌ها در برخی صفحات و منظم‌نبودن آن از دیگر مشکلات صفحه‌آرایی این کتاب به‌شمار می‌رود.

- قواعد عمومی نگارش و ویرایش

به‌ناچار، هر بحث علمی باید قواعد املا و نگارش را رعایت کند؛ چراکه فراگیر اگر از سلامت علمی نوشته اطمینان حاصل نکند، به کتاب بی‌رغبت خواهد شد (شلیبی ۱۹۷۴: ۸۲). از این‌رو، اصلاح اشتباهات لغوی و چاپی برای تکمیل یک نوشتار به‌شکل علمی امری ضروری است که مسئولیت این کار برعهدهٔ محقق است (ابوسلیمان ۱۳۸۷: ۱۴۸).

- اشکالات نگارشی

کاربرد «بتفصیلات» به‌جای «بتفصیل» صفحهٔ ۷۴ پاورقی شمارهٔ ۴، عدم کاربرد حرف جر «إلی» با کلمه «انقسام» صفحهٔ ۱۰۸ سطر آخر، آشفتگی در به‌کارگیری «گیومه»، «ویرگول»، «پرانتز»، «نقطه»، bold و...

- اغلاط نحوی

استخدام جملهٔ شرطیه در جایگاه صله: صفحهٔ ۵ سطر ۷، صفحهٔ ۵۰ سطر ۲، شمارهٔ ۳ صفحهٔ ۱۲۳، صفحهٔ ۱۹۰ شمارهٔ ۶، صفحهٔ ۶ قسمت أ و ب؛ صفحهٔ ۱۰۶ در جملهٔ «هند محبوسه» ضمیر «هی» نائب فاعل است نه فاعل؛ صفحهٔ ۱۶۲ پاورقی شمارهٔ ۴ سطر ۳ «إذ» به جمله اضافه می‌شود، پس باید تنوین آن عوض از جمله خوانده شود، نه عوض از کلمهٔ «روح».

- اغلاط صرفی

صفحهٔ ۶۳ سطر ۵ فتی و فتاة مشتق هستند نه جامد، صفحهٔ ۹۸ سؤال ۱۴ معتدل القامة صفت مشببه نیست، بلکه اسم الفاعل به‌معنای صفت مشببه است. هم‌چنین، سؤال ۱۵ و ۱۶، صفحهٔ ۱۰۲ سطر ۶ کلمهٔ «من» و سطر ۷ «ما» موصول و معرفه شمرده می‌شوند و نکره به‌حساب نمی‌آیند، صفحهٔ ۱۳۶ سطر ۱ نویسندهٔ کتاب بر این باور است که «البناء علی

الكسر و الضم لا يكون في الفعل» مثال نقضی که برای آن آورده می‌شود به‌طور مثال «ذهبوا» است که مبنی بر ضم است، صفحه ۱۴۵ پاورقی شماره ۱ نویسنده کتاب کلمه «آخری» را منصرف شمرده است درحالی‌که به‌علت الف تأنیث غیرمنصرف است، صفحه ۲۱۸ الدرس التاسع عشر کلمه «العدو» به‌عنوان موصوف است نه صفت، در برخی قسمت‌های کتاب «ال» همزه قطع دارد که باید یک‌دست شود (همزه ال وصل است).

- کاستی‌ها و اغلاط بخش تمرین‌ها

صفحه ۱۴ التمرین الثانی در قسمت جواب‌ها نیامده است، صفحه ۳۸ تست شماره ۱۰ هر چهار گزینه درست است، صفحه ۴۷ التمرین الأول کلمه «أنا» مبنی است و مصغر نمی‌شود، لذا باید از صورت سؤال حذف شود، صفحه ۴۸ تست شماره ۱۰ همه گزینه‌ها صحیح‌اند، صفحه ۵۵ تست شماره ۹ جواب گزینه ا انتخاب شده است، درحالی‌که هیچ‌یک از گزینه‌ها جواب نیستند و صورت صحیح نسبت آن کلمات به ترتیب المصطفی، الرحوی، الذکروی (الذکری) است، صفحه ۹۶ التمرین الثالث مبحث جامد و مشتق در داخل پراتنز زائد است، صفحه ۹۶ تست شماره ۱ قسمت ا به‌عنوان جواب انتخاب شده است درحالی‌که قسمت ب نیز درست است.

۵. بررسی محتوایی اثر

مباحثی که در بخش محتوا مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارت‌اند از:

- الف. نظم منطقی و انسجام مطالب: در این بخش به تسلسل عناوین کلی و جزئی اثر و نظم منطقی بین آن‌ها دقت می‌شود؛
- ب. منابع: در این قسمت به میزان اعتبار منابع، به‌کارگیری منابع جدید و موجود، میزان دقت در ارجاعات، کیفیت رعایت امانت پرداخته می‌شود؛
- ج. کیفیت تجزیه و تحلیل و بررسی علمی مسائل؛
- د. میزان دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی؛
- ه. نوآوری و نظریه علمی؛
- و. نحوه به‌کارگیری مؤلفه‌های صوری برای تفهیم موضوع؛
- ز. میزان سازواری محتوای علمی با فرهنگ اسلامی و پاسخ به فضای علمی جامعه؛
- ح. میزان انطباق و جامعیت اثر.

۱.۵ نظم منطقی و انسجام مطالب

موضوعات کلی این کتاب از نظم منطقی برخوردار است و نشان می‌دهد که نویسنده محترم براساس یک چهارچوب کلی مطالب درس‌ها را آورده است و با یک تغییر جزئی نظم و انسجام مطالب بهتر نیز خواهد شد و در یادگیری و تثبیت مطالب در ذهن مخاطب کمک بسیاری خواهد کرد. این که درس ۵ و ۶ (تصغیر و نسبت) بعد از جامد و مشتق بیاید به این علت که تصغیر و نسبت از جمله مواردی هستند که می‌توانند مؤول به مشتق شوند، از این رو بهتر است پس از آن ذکر شود؛ درس ۱۸ (صحيح الآخر، مقصور، ممدود، و منقوص) قبل از درس ۱۷ (منصرف و غیرمنصرف) و بعد از معرب و مبنی بیاید؛ چراکه اقسام اسم از نظر حرف آخر از زیرمجموعه‌های اسم معرب است، لذا بهتر است پس از آن ذکر شود تا در یادگیری و به‌ذهن سپردن و هم‌چنین در رعایت ترتیب تحلیل صرفی به فراگیر کمک کند.

عناوین فرعی دارای نظم و انسجام هستند و براساس ترتیب خاصی به‌چینش درآمده‌اند. به‌فرض، در درس مشتق ابتدا تعریف آن، مراد از اشتقاق، و انواع آن آمده است، سپس به توضیح هرکدام از آن انواع به‌صورت جداگانه پرداخته شده است. این چینش و نظم در تمامی دروس رعایت شده است و تنها چند مورد تغییر جزئی در عنوان‌های فرعی وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود:

- بهتر است اسم جنس و انواع آن در قسمت علم بیان شود؛ چراکه تمامی اعلام از یک اسم جنس گرفته می‌شوند؛
- از آن‌جاکه صفت‌مشبیه یعنی «مشبیه با اسم الفاعل» پس بهتر است ابتدا این مبحث بعد از اسم فاعل و مبالغه آورده شود سپس اسم مفعول بیاید؛
- بهتر است علامات التأنیث قبل از انواع تأنیث بیاید.

۲.۵ منابع

۱.۲.۵ میزان اعتبار منابع

مجموعه منابع علمی که محقق در تحقیق خود به آن‌ها استناد می‌کند، از مهم‌ترین معیارهای درستی و کیفیت تحقیق به‌شمار می‌آیند. پس اگر منابع از آن دسته منابع معتبر و صادق یا از نسخه‌های خطی کم‌یاب باشد، تحقیق از ارزش علمی بالایی برخوردار خواهد بود (عابدین بی‌تا: ۱۸؛ محمدنژاد عالی‌زمینی ۱۳۹۱: ۱۹۰).

در کتاب یادشده، نویسنده محترم منابع اصلی و مهم صرف و نحو نظیر کتاب المعنی، الكتاب، شرح رضی، اوضح المسالك، النحو الوافی، شرح شافی، و شذور الذهب را در فهرست منابع نام برده است، اما آنچه در متن کتاب به آن ارجاع داده شده است، تنها منابع زیر است که به تعداد ارجاعات آن‌ها نیز اشاره شده است:

صرف ساده: یازده بار، شرح ابن عقیل: سه بار، صرف ۱: یازده بار، مبادئ العربیه: نه بار، معجم القواعد العربیه: نه بار، الجدید فی الصرف و النحو: دو بار، معنی اللیب: یک بار، البهجه المرضیه: سه بار، الكتاب: یک بار، النحو الوافی: چهارده بار، قطر الندی: یک بار، شرح قطر الندی: یک بار، مباحث فی علم الصرف: یک بار، حاشیه الصبیان: یک بار، جامع المقدمات: دو بار، شذا العرف فی فن الصرف: یک بار.

در شرح برخی مفردات از کتاب‌هایی هم‌چون: المعجم الوجیز: هشت بار ارجاع، المعجم العربی الأساسی: یک بار ارجاع، المنجد: یک بار ارجاع، المصباح: دو بار ارجاع، الرائد: یک بار ارجاع استفاده شده است که از منابع اصلی و مهم نیستند.

۲.۲.۵ دقت در استنادات و ارجاعات

برای ارجاعات انواع مختلفی وجود دارد و یک محقق حق دارد که خودش روش موردنظر را انتخاب کند، به شرط آن‌که خواننده به راحتی از آن مطلع شود و هر زمان که محقق یک روش را انتخاب کرد لازم است که در تمام مراحل تحقیق به آن پای‌بند باشد (ابوسلیمان ۱۳۸۷: ۱۵۰). ارجاعات این کتاب متأسفانه با آشفتگی بسیار روبه‌رو است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

- در برخی ارجاعات تنها به نام کتاب و صفحه اکتفا شده است و در برخی موارد نام نویسنده نیز اضافه شده است (بنگرید به پاشازانوس ۱۳۹۴: ۸۸، ۹۰، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۱).
- در برخی ارجاعات ابتدا اسم نویسنده آمده است سپس اسم کتاب و در برخی موارد اسم کتاب مقدم می‌شود (همان: ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰).
- در برخی ارجاعات ابتدا اسم کتاب سپس اسم نویسنده با حرف جر لام آمده است (همان: ۱۸۶).
- برخی ارجاعات به جای پاورقی در متن کتاب آمده است (همان: ۱۲۲، ۱۸۳).
- در برخی ارجاعات بین اسم نویسنده و نام کتاب از علائم نگارشی استفاده می‌شود و در برخی موارد از این علائم استفاده نمی‌شود (هان: ۱۶۳، ۱۷۰).

۳.۲.۵ رعایت امانت

نویسنده محترم کوشیده است تا امانت در منابع رعایت شود، اما احیاناً به مواردی برمی‌خوریم که مطالب سهواً بدون هیچ‌گونه ارجاعی آمده‌اند. صفحه ۲۶ مبحث مربوط به جمع الکثره، صفحه ۳۹ تا ۵۳ مبحث تصغیر و نسه در درس‌های پنجم و ششم، صفحه ۶۲ پاورقی شماره ۶، صفحه ۷۹ مبحث مربوط به فرق بین اسم الفاعل و الصفه المشبهه، صفحه ۸۰ پاورقی شماره ۵، صفحه ۸۱ پاورقی شماره ۳، صفحه ۱۰۹ پاورقی شماره ۱، صفحه ۱۱۰ پاورقی شماره‌های ۱ و ۴، صفحه ۱۱۱ پاورقی شماره ۳، صفحه ۱۱۶. هم‌چنین، متون استفاده‌شده در تمرین‌ها به منبعشان ارجاع داده نشده است، مثلاً وصیة الإمام علی (ع) در صفحه ۱۳۷ یا متون صفحه ۱۸۸. و چندین مورد نیز از کتاب مبادئ العربیة گرفته شده است ولی اشاره‌ای به آن کتاب نشده است:

ص ۱۰۸ پاورقی شماره‌های ۱ و ۲ و ۳ که دقیقاً از صفحات ۱۰۱ و ۱۰۲ جلد ۴ کتاب مبادئ العربیة گرفته شده است، صفحات ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴ در بیش‌تر موارد مثال‌ها و توضیحات با کتاب مبادئ العربیة تشابه دارد، صفحه ۱۴۴ پاورقی شماره ۲ از مبادئ العربیة گرفته شده است، صفحه ۱۵۷ مبحث اسماء الشرط و الاستفهام با کمی تغییر در مثال‌ها از کتاب مبادئ العربیة گرفته شده است، صفحه ۱۸۶ پاورقی شماره ۲ و صفحه ۱۶۲ پاورقی شماره ۱ از کتاب مبادئ العربیة گرفته شده است. گاهی از دو فعل «قیل و یقال» استفاده شده است و نویسنده محترم به منبع آن اشاره نکرده است: صفحه ۵۹ پاورقی شماره ۲ و صفحه ۴۲ پاورقی شماره ۲.

۳.۵ کیفیت تجزیه و تحلیل و بررسی علمی

درمورد تجزیه و تحلیل علمی مسائل اگر با این پیش‌فرض به آن نگاه کنیم که برخی مطالب برای مخاطب مشخص است یا برعهده استادی است که این کتاب را تدریس خواهد کرد، لذا نمی‌توان بر نویسنده محترم خرده گرفت که چرا برخی مباحث را باز نکرده است و مورد تجزیه و تحلیل قرار نداده است. به تعدادی از مواردی که تجزیه نشده‌اند در ادامه اشاره می‌شود:

در صفحه ۱۹ دو وزن فعول و فعیل که از اوزان مشترک مذکر و مؤنث هستند، هیچ توضیحی راجع به این داده نمی‌شود که این دو وزن با چه شرایطی مشترک به حساب

می‌آیند؛ در مورد مباحث مشترک بین صرف و نحو توضیحی راجع به این داده نمی‌شود که هدف از جمع این موارد مشترک چیست و بر چه اساس انتخاب شده‌اند؛ در صفحه ۱۳۵ در مورد اتصال نون توکید به فعل مضارع و این که چه صیغه‌های با آن نون مبنی می‌شوند توضیحی ارائه نشده است.

در مورد نقد آرا باید گفته شود که نویسنده محترم نظر دو گروه مخالف کوفی و بصری یا دیگران را بیان می‌کند، اما آن آرا را مورد نقد قرار نمی‌دهد. مثل پاورقی شماره ۲ صفحه ۱۹۱، پاورقی شماره ۴ صفحه ۱۹۰، پاورقی شماره ۲ صفحه ۱۷۱، پاورقی شماره ۲ صفحه ۱۳۵، پاورقی شماره ۲ صفحه ۱۹۱.

یا به الفاظی هم چون «على القول الأصح، يقال، على الرأي المشهور، على الرأي القوی» بسنده می‌کند و دلیلی ذکر نمی‌کند.

على القول الأصح: پاورقی شماره ۱ صفحه ۱۲؛

يقال: پاورقی شماره ۲ صفحه ۴۲؛

على الرأي المشهور: پاورقی شماره ۲ صفحه ۸۹؛

على الرأي القوی: پاورقی شماره ۳ صفحه ۸۱.

۴.۵ میزان دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی

اصطلاحات تخصصی صرف در تمام صفحات کتاب به چشم می‌خورد که همه در پاورقی یا در متن توضیح داده شده است. مثلاً اسم الجمع و توضیح آن در صفحه ۱۷ یا باب سنون و توضیح آن در صفحه ۲۰ آمده است و اسم الأصوات نیز در صفحه ۱۳۶ در پاورقی به هم‌راه توضیح آمده است.

اما به مواردی برمی‌خوریم که نویسنده محترم تنها به ذکر آن اصطلاحات می‌پردازد و توضیحی درباره آن‌ها نمی‌دهد، مثل ترکیب مزجی و اسنادی در صفحه ۴۴ که فاقد هرگونه توضیحی است و مخاطبی که به این دو اصطلاح آشنا نباشد باید تا صفحه ۱۰۸ صبر کند تا مفهوم آن دو را دریابد یا نکره موصوفه در صفحه ۱۰۲ بدون توضیح است یا ال الجنسیه أو الحضوریه در صفحه ۱۱۱ نیز توضیحی ندارد.

۵.۵ نوآوری و نظریه علمی

بحث درباره نوآوری و نظریه علمی نسبی است؛ چراکه ممکن است موضوعی برای فردی جدید باشد، اما برای صاحب‌نظران و پژوهش‌گران این حوزه جدید به حساب

نیاید. در این کتاب، بحث جدیدی که مطرح شده است بازکردن مبحث مشترک بین دو علم صرف و نحو است که بهتر بود نویسنده محترم موارد مشترک صرف و نحو را برمی‌شمرد و دلیل آن را ذکر می‌کرد؛ از آن جهت که نمی‌توان دلیلی برای برشمردن شرط و استفهام و کنایه که از مباحث مشترک باشد پیدا کرد و به نظر می‌آید خیلی از مباحث دیگر نیز می‌تواند در کنار این موضوعات قرار گیرد؛ مثل اشاره، موصول، اسم فعل، ضمیر، یا....

۶.۵ نحوه به‌کارگیری مؤلفه‌های صوری برای تفهیم موضوع

در مورد نقصان مؤلفه‌های جامعیت صوری باید اذعان داشت که علی‌رغم تلاش‌های نویسنده محترم هنوز برخی نواقص در این زمینه به چشم می‌خورد. برای نمونه، عناوین فرعی، عناوین فرعی در یک تحقیق مهم و ارزش‌مندند؛ چون مجموعه بخش‌های فکری و مقاطع مؤثر در موضوع را در بر دارند و در وضوح موضوع سهیم هستند و بر درک و فهم محقق و عقلانی‌بودن کار تنظیم وی دلالت دارند. همین‌طور اگر عناوین فرعی بسیار باشند، نه تنها در ظاهر کتاب تأثیر منفی می‌گذارند، بلکه ممکن است باعث آشفتگی و پریشانی فکر خواننده نیز بشوند (ابوسلیمان ۱۳۸۷: ۱۴۹). در این کتاب نیز وجود عناوین فرعی بسیار، که در هر درس به صورت یک‌جا ذکر نشده است، و برخی از آن عناوین با توضیحات زیاد هم‌راه است و خود نیز ریزعنوان‌های دیگر دارد، باعث شده است تا مخاطب برای یافتن تمامی عناوین فرعی دچار سردرگمی شود و نتواند همه را در ذهن خود بسپارد و بین آن‌ها تفکیک قائل شود.

از دیگر موارد استفاده نکردن از کادر، نمودار، جدول، و تصویر است. در واقع، این علائم در نوشته تحقیقی به قصد زینت متن فراهم نمی‌شوند، بلکه با هدفی مشخص مورد استفاده قرار می‌گیرند و راهی برای ایجاد ارتباط‌اند. این‌که می‌گویند ارزش یک تصویر برابر هزار کلمه است به این دلیل است که هر تصویر انبوهی از اطلاعات را با بیانی ساده و موجز ارائه می‌دهد. خزانه‌ای از اطلاعات فشرده است که گاه ظرفیتی بیش از نوشته دارد. امکانات تصویری نه تنها ما را از بیان دوباره مطالب در قالب کلمات بی‌نیاز می‌کند، بلکه گاه انتقال اطلاعات به‌جز از طریق تصویر ممکن نیست (حری ۱۳۸۵: ۱۲۶).

اما از امتیازات این کتاب تمرین‌هایی است که در پایان هر درس چه به صورت تستی و چه تشریحی آمده است که کمک زیادی به خودآزمودن مخاطب در هر مبحث می‌کند.

۷.۵ میزان سازواری محتوای علمی با فرهنگ اسلامی و پاسخ به فضای علمی

جامعه

تا حد قابل ملاحظه‌ای مثال‌های کتاب از آیات قرآن کریم و جملات نهج‌البلاغه استفاده شده است. به نظر می‌آید انتظاری که از درس صرف می‌رود این باشد که حداقل دانشجو بتواند با همین ماده درسی نیز اعجاز قرآن کریم در زمینه صرف را کشف کند و تفاوت ادبی قرآن و نهج‌البلاغه را در زمینه صرف با دیگر کتب ادبی دریابد و این کتاب با شناساندن قالب‌ها و ساختارهای اسم به قرائت صحیح اسم‌ها در قرآن و... کمک می‌کند، اما به تفاوت معنایی آن قالب‌ها در آیه‌های مختلف قرآن کمکی نمی‌کند؛ یعنی کم پیش می‌آید که دانشجو پس از گذراندن این درس و خواندن این کتاب بتواند چرایی استخدام قالب‌های مختلف اسم در جایگاه‌های مختلف و بافت‌های گوناگون را کشف کند. البته ناگفته نماند که این ایراد تنها به این کتاب وارد نیست، بلکه تمام کتب صرفی با این مشکل روبه‌رو هستند و شاید توقع زیادی باشد که به چنین مواردی از تفاوت معنایی اشاره شود، ولی ذکر چند مورد ساده کمک بسیاری به علاقه دانشجو می‌کند و به چرایی ذهن او «که هدف از خواندن این درس به صورت کاربردی چیست؟» پاسخ می‌دهد. برای نمونه، وزن «فَعَالِي» یکی از ساختارهای صرفی به‌شمار می‌آید که قرآن کریم به‌نظور تأکید بر وجوب یتیم‌نوازی و هماهنگی با بافت آن را به‌کار برده است. از نظر قرآن بر همگان لازم است تا در تعاملات اجتماعی به یتیمان احترام بگذارند و شخصیت آنان را صیانت کنند و نمی‌بایست فقدان پدر را به‌عنوان ضعف و حقارت ارزیابی کنند و با یتیمان رفتاری تحقیرآمیز کنند و از تکریم آنان غافل شوند. از جمله آیاتی که بر تکریم یتیمان و برخورد مهربانانه با آن‌ها تأکید دارد آیه ذیل است: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ...» (بقره: ۲۲۰). با تأمل در قواعد دستوری زبان عربی می‌توان ادعا کرد که شکل ساخت‌وازی/تصریفی واژه «يَتَامَى» به‌طرزی شگرف معنای عطف و یتیم‌نوازی را به خواننده عرضه می‌دارد.

واژه «یتیم» در زبان عربی به دو صورت جمع بسته می‌شود: حالت اول جمع تکسیرِ قلت (ایتام) بر وزن «أفعال» و حالت دوم جمع تکسیرِ کثرت بر وزن «فَعَالِي» (یتامی) (جوهری ۱۳۷۶: ج ۵، ۲۰۶۴).

گفتنی است جمع قلت این واژه در کلام قرآن مجید به‌کار نرفته است، بلکه خداوند در حالت جمع فقط به «یتامی» تعبیر کرده است؛ بی‌تردید علت این امر را باید در معنایی جست که وزن «فَعَالِي» بر آن دلالت دارد.

بنابه گفته سیبویه (۱۹۷۷: ج ۲، ۲۱۳)، این وزن به واژگانی اختصاص دارد که بر آفت و بلا و درد دلالت می‌کنند، مانند «سکاری» (= مستان)، «ایامی» (= بیوگان)، «حذاری» (= محتاطان)، «وجاعی» (= دردمندان) و... بی‌شک تکرار حرف «الف» که «تولیدکننده استمرار و امتداد» (ناصر ۲۰۱۷: ۱۴۲؛ کشمیری ۱۳۹۵: ۹۰) است استمرار درد و میزان آن را افزایش می‌دهد.

طبق اصول زبان‌شناختی عربی وجود حرف «الف» در وزن یک کلمه نوعی مبالغه و کثرت را در معنای آن وزن القا می‌کند؛ زیرا دهان به هنگام تلفظ این حرف بیش‌ترین گشودگی را دارد و بی‌شک براساس غریزه انسان گشودگی دهان مفهوم بزرگی را به ذهن تداعی می‌کند، مانند آن‌که در هنگام تعجب دهان باز می‌شود (کشمیری ۱۳۹۵: ۳۶).

بر این اساس، کاربرد جمع «یتیم» بر وزن «فعالی» مفید آن است که خداوند در جای‌جای کلام آسمانی قرآن واژه‌ای سرشار از بار عاطفی را درباره یتیمان به‌کار گرفته است و با گزینش این واژه درصدد آن بوده است تا احساسات خوانندگان را در تعامل با این افراد برانگیزاند.

۸.۵ میزان انطباق و جامعیت اثر

محتوای کتاب کاملاً منطبق با عنوان آن است و هر دانشجوی عربی و غیرعربی که درس عربی را می‌گذراند بر این امر واقف است که عنوان صرف ۲ مختص اسم و تحلیل صرفی آن است، اما به مواردی برمی‌خوریم که با عنوان کتاب انطباق ندارد، از جمله اعراب ممنوع من الصرف و عمل نحوی اسم تفضیل، و....

محتوای کتاب تا حد قابل‌ملاحظه‌ای با اهداف درس که آشنایی با اسم و اقسام آن است جامعیت دارد. فقط هدفی که از قلم افتاده است درک معانی اسماء است. ای کاش که نویسنده محترم، تا آن‌جا که ممکن بود، به تفاوت معنایی قالب‌ها و ساختارهای مختلف اسم اشاره می‌کرد. درمورد تعداد صفحات باید گفت، از آن‌جا که این کتاب دربردارنده تمامی مباحث مربوط به صرف ۲ و ۳ است، در نتیجه ۲۳۰ صفحه برای چهار واحد در صورتی که در کنار آن تمرین‌ها و سؤالات اضافه کار شود متناسب است.

هم‌چنین، مباحث این کتاب دقیقاً با مبانی و پیش‌فرض‌های موردقبول صرفی مطابقت و هماهنگی دارد. فقط یک مورد است که محتوایی برخلاف آنچه موردقبول مبانی صرفی است ارائه شده است:

مثنی کردن و جمع مؤنث بستن اسم ممدود، در صورتی که منقلبه باشد، به دو صورت جایز است؛ یا همزه به همان شکل خود باقی بماند یا به واو تبدیل شود که در تمام کتب صرفی این قانون گفته شده است، اما در این کتاب آمده است به واو یا یاء تبدیل می‌شود (پاشازانوس ۱۳۹۴: ۱۲).

برخی مباحث این کتاب باید در بخش فعل (صرف ۱) ذکر می‌شده است: مثل همزه وصل و اشتقاق و اقسام آن و دیگر موضوعات مطرح شده در درس ۲۴ پیوست دوم و اسم الفعل و برخی نیز که در کتاب صرف ۱ ذکر شده است باید در بخش اسم و در همین کتاب آورده می‌شد: مثل اقسام مصدرمیمی، مره، نوع، و اسم المصدر.

۶. پیش‌نهادها

در این قسمت در کنار پیش‌نهادهایی که در این نوشتار گذشت، مواردی نیز در جهت هرچه بهتر شدن کتاب در چاپ‌های بعدی ارائه می‌شود:

۱. طرح جلد: پیش‌نهاد می‌شود عناوین صرفی روی جلد با عناوین پشت جلد متفاوت باشد تا هر دو بتوانند گویای تمام محتوای کتاب باشند و خواننده با نگاه به جلد تمام محتوای آن را دریابد؛

۲. صفحه‌آرایی کتاب: بهتر است در تمامی صفحات کتاب از bold یا در صورت امکان از جدول و نمودار یا هر چیزی که کتاب را از حالت روزنامه درآورد استفاده شود؛

۳. عناوین فرعی: به علت زیادبودن عناوین فرعی در برخی دروس بهتر است که عنوان‌های فرعی و زیرمجموعه‌هایش در ابتدا یک‌جا آورده شوند، سپس به صورت مجزا توضیح و شرح داده شوند.

۴. هماهنگی و نظم در ارجاعات: بهتر است ارجاعات در همه صفحات کتاب یک‌دست شود؛

۵. جابه‌جایی برخی مطالب:

- پیش‌نهاد می‌شود انواع مصدر در قسمت جامد و مشتق بیاید و مبحث معرب و مبنی فعل به صرف ۱ منتقل شود.

- از آن‌جاکه مباحث کتاب براساس تحلیل صرفی اسم آمده است بهتر است با تغییر جزئی به نظم و انسجام آن کمک شود. این که درس ۵ و ۶ (تصغیر و نسبت)

بعد از جامد و مشتق و درس ۱۸ (صحیح‌الآخر، مقصور، ممدود، و منقوص) قبل از درس ۱۷ (منصرف و غیرمنصرف) بیاید.

- بهتر است اسم جنس و انواع آن در قسمت علم بیاید.

- از آنجایی که صفت‌مشبیه یعنی «مشبیه باسم الفاعل» است، پس بهتر است ابتدا این مبحث بعد از اسم فاعل و مبالغه توضیح داده شود.

۶. اسم کتاب و نویسنده آن: بهتر است عنوان کتاب و اسم نویسنده عربی شود؛

۷. تشریحی آمدن جواب تست‌ها: برای یادگیری بیش‌تر بهتر است تست‌ها به صورت تشریحی جواب داده شوند؛

۸ حذف: از آنجایی که عمل مشتقات مربوط به علم نحو است بهتر است عمل اسم تفضیل حذف شود یا به اعراب ممنوع من الصرف اشاره نشود؛

۹. هماهنگی در کاربرد علائم نگارشی؛

۱۰. هماهنگی در اعراب و جنس و نوع شماره اعداد در صفحات آغازین کتاب؛

۱۱. درمورد حذف عائد منصوب بهتر است بین ضمیر متصل و منفصل تفاوت

قائل شد. هم‌چنین، درمورد عائد «من» که ممکن است ابهام ایجاد کند، نیز توضیحاتی آورده شود؛

۱۲. تمرین‌ها: بهتر است به سؤالات تشریحی سؤال «تصحیح الأخطاء» و متون نیز اضافه شود؛ چراکه یکی از مشکلات عمده دانشجویان در درس صرف و نحو رویارویی با سؤال «تصحیح الأخطاء» و متن است. تاوقتی که کلمه خارج از متن باشد برایشان آسان است، اما به محض این که در متن قرار گیرد در جواب به آن دچار مشکل می‌شوند.

۱۳. معنا: پرداختن به معنا و بیان نکات ظریف معنایی موجود در قالب‌های صرفی از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است. بنابراین، پیش‌نهاد می‌شود حتی المقدور به این تفاوت‌های معنایی در دروس کتاب اشاره شود.

۷. نتیجه‌گیری

درمورد تحلیل شکل و محتوای کتاب حاضر می‌توان به امتیازات شکلی و محتوایی کتاب به مواردی هم‌چون بلندکردن و با خط درشت نوشتن عناوین اصلی در هر درس، ذکر عنوان درس‌ها در تمامی صفحات، آوردن عناوین اصلی در روی جلد، چهارچوب مشخص هر درس، بهره‌گیری از قیاس منطقی در آوردن ترتیب درس‌ها، آوردن تمرین‌ها به صورت

تشریحی و تستی در پایان هر درس، انطباق محتوای کتاب با عنوان و فهرست آن، و... اشاره کرد و کاستی‌هایی را چون استفاده نکردن از کادر و نمودار و جدول، بیان نکردن هدف و روش کتاب در مقدمه، وجود تعداد بی‌شمار غلط‌های تایپی، صرفی و نحوی، نگارشی و محتوایی، بی‌دقتی در بیان مطالب، عدم ارائه ساختار علمی نو، و... نام برد.

هم‌چنین، باید اشاره کرد که محتوای این کتاب نیز هم‌چون دیگر کتاب‌های صرفی است با این تفاوت که برخلاف آن کتاب‌ها، همهٔ مسائل و قواعد صرفی را پوشش داده است و در ترتیب دروس نظم و انسجام دارد. یک تفاوت مهم نیز بین این کتاب و کتاب صرف کاربردی آموزش پیشرفته دانش صرف وجود دارد این‌که کتاب صرف کاربردی همان‌گونه که از اسمش مشخص است بر کاربرد این علم بسیار تأکید شده است و این امر با شاهد مثال‌های بسیار از قرآن کریم و تفاوت‌های معنایی و ارائهٔ قواعدی مشابه از دستور زبان فارسی و قراردادن در کنار قواعد عربی توانسته است روشی نوین در آموزش قواعد ابداع کند؛ اما متأسفانه این کتاب فاقد این محتوا و تمرین‌های کاربردی است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

ابن‌الرسول، سیدمحمد رضا و الهه صفیان (۱۳۹۶)، «بررسی و نقد بخش صرف کتاب صرف و نحو عربی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، س ۱۷، ش ۱.

ابوسلیمان، عبدالوهاب ابراهیم (۱۳۸۷)، روش تحقیق علمی به زبان عربی، ترجمهٔ محمدباقر حسینی و ملیحه طوسی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

اتسلندر، پیتز (۱۳۷۱)، روش‌های تجربی تحقیقی در علوم اجتماعی، ترجمهٔ بیژن کاظم‌زاده، تهران: آستان قدس.

پاشا شریفی، حسن و نسترن شریفی (۱۳۸۳)، روش تحقیق در علوم رفتاری، تهران: سخن.

پاشازانوس، احمد (۱۳۹۴)، صرف ۲، تهران: پیام نور.

التونجی، محمد (۱۹۸۶)، المنهاج فی تألیف البحوث و تحقیق المخطوطات، حلب: دارالملاح.

جمالی‌فر، مهدی و سیدیا سر قزوینی حائری، «تاریخ، تحلیل گفتمان، و تحلیل محتوا»، پایگاه پیشینه، گروه عبرت‌پژوهی تاریخی:

<<http://www.pishine.ir>>.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶)، الصحاح، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.

بررسی انتقادی کتاب صرف ۲ با رویکرد تحلیل توصیفی (زهره قربانی مادوانی) ۳۷۳

- حری، عباس (۱۳۸۵)، *آیین نگارش علمی*، تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.
- حسن مرادی، ن. (۱۳۸۸)، *تحلیل محتوای کتاب درسی*، تهران: آبیژ.
- دوحان، عبدالکریم ابراهیم (۲۰۰۹)، *منهج البحث التاريخي والأدبي*، القاهرة: مؤسسة المختار.
- ذاکری، مصطفی (۱۳۸۸)، *عیار نقد*، تهران: مؤسسه خانه کتاب.
- الراجحی، عبده (۲۰۰۹)، *التطبيق الصرفي*، بیروت: دار النهضة العربية.
- رایف، دانیل، استیفن لیبی و دیگران (۱۳۸۵)، *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای*، ترجمه مه‌دخت بروجردی علوی، تهران: سروش.
- رضی، احمد (۱۳۸۸)، «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی»، *سخن سمت*، ش ۲۱.
- السامرائی، فاضل صالح (۲۰۱۳)، *الصرف العربي*، احکام و معان، بیروت: دار ابن کثیر.
- سیبویه، عمرو بن عثمان (۱۹۷۷)، *الکتاب*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، الرياض: عالم الکتب للطباعة.
- شلی، احمد (۱۹۷۴)، *كيف تكتب بحثاً أو رسالة*، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- طباطبایی، محمدرضا (۱۳۸۵)، *صرف ساده*، تهران: دار العلم.
- عابدین، عبدالمجید (بی تا)، *مزالق فی طریق البحث اللغوی والأدبی و توثیق النصوص*، دار جامعة الخرطوم.
- عبداللهیان، حمید و تقی آزادارمکی (۱۳۹۴)، «تحلیل انتقادی کتاب‌های مبانی جامعه‌شناسی در ایران»، *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ش ۳۶.
- فرانکفورت، نچمیاس - چاوا (۱۳۸۱)، *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی*، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران: سروش.
- فقهی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۹۵)، *آموزش صرف عربی*، تهران: سمت.
- الفیضی، عبدالقادر و عبدالله الدارمی (۲۰۱۶)، *تیسیر الصرف*، مجلس التعليم الاسلامی کیرالا.
- قائدی، محمدرضا و علی‌رضا گلشنی (۱۳۹۵)، «روش تحلیل محتوا از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی»، *مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، س ۷، ش ۲۳.
- کشمیری، عبدالرسول (۱۳۹۵)، *صرف کاربردی، آموزش پیشرفته دانش صرف*، ج ۱ و ۲، قم: نصایح.
- کشمیری، عبدالرسول (۱۳۹۵)، *نوآوری‌های صرفی در صرف کاربردی*، قم: نصایح.
- محمدنژاد عالی‌زمینی، یوسف (۱۳۹۱)، *شیوه‌نامه پژوهش و نگارش علمی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشکین‌فام، بتول (۱۳۸۸)، *البحث الأدبی مناهجه و مصادره*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- معروفی، یحیی و محمدرضا یوسف‌زاده (۱۳۸۸)، *تحلیل محتوا در علوم انسانی؛ راه‌نمای عملی تحلیل کتاب‌های درسی*، همدان: سپهر دانش.
- میمندی، وصال و نعیمه خبازی اشرف (۱۳۹۴)، «*الصرف ۱ در ترازوی نقد*»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، دوره ۱۵، ش ۱.
- ناصر، عبدالمنعم (۲۰۱۷)، *شرح صوتیات سیبویه*، بیروت: دار الکتب العلمية.

۳۷۴ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیست‌ویکم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۰

نعمتی قزوینی، معصومه و سیده‌اکرم رخشنده‌نیا (۱۳۹۱)، «نقد کتاب صرف ساده»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، س ۱۲، ش ۲.

نیک‌منش، سعید و خدیجه علی‌آبادی (۱۳۹۲)، «نقش تحلیل محتوا در فرایند آموزش و طراحی کتاب‌های درسی»، مجله جهانی رسانه، دوره ۸، ش ۲.